

آن با کشور آذربایجان برای رودخانه ارس برگزار کرده ایم. با وجود اینکه حکومت‌ها در هر دو کشور دستخوش تغییر شده ولی این قرارداد باعث شده تا همکاری‌ها ادامه پیدا کند.

تجربه ۱۸ سال برگزاری اجلاس‌های کمیساران بین ایران و افغانستان از سال ۱۳۸۳ تاکنون نیز درس‌های جدیدی به ما داده است. نکته اول و مهم این است که ملزومات معاهده باید اجرایی شود. یکی از آنها این است که باید ایستگاه دهرآورد در بالادست سد کجکی به عنوان مکانیزم تعریف شده در معاهده برای اندازه‌گیری و تعیین سال آبی نرمال در افغانستان احیا شده و امکان بازدید و اندازه‌گیری برای طرف ایرانی فراهم شود تا اختلافات کارشناسی رفع شود. مشابه همین، باید ایستگاه‌هایی در طرف ایران و در پایین دست تأسیس شود تا معلوم شود چقدر آب تحویل ایران شده است.

در سال‌های گذشته ما شاهد بودیم که طرف افغانستانی به دنبال احداث و بهره‌برداری از سد کمال‌خان بوده است. فلسفه اولیه اعلام شده جهت احداث سد کمال‌خان تنظیم آب برای اراضی کشاورزی در پایین دست بوده است، این رویکرد می‌تواند کارکردهای مثبتی از جمله تنظیم آب برای اراضی کشاورزی پایین دست سد کمال‌خان در افغانستان داشته باشد. طرف مقابل هم همواره این موضوع را مطرح کرده که ما سد کمال‌خان را برای ممانعت از ورود آب به ایران نمی‌سازیم، بلکه به دنبال تنظیم آب هستیم ولی ویژگی‌های این سد از جمله دریاچه‌ها یا سرریز آن که به سمت گودزره و داخل افغانستان است و اینکه هیچ سرریزی به سمت مسیر طبیعی رودخانه و هامون‌ها ندارد و همچنین رویکرد مدیریت و بهره‌برداری این سد طی دو سال گذشته، به نظر می‌رسد نقض غرض بوده و مغایر با اهداف اعلام شده قبلی است.

قبل تر ما به مشخصات فنی طرح سد کمال‌خان دسترسی نداشتیم، اما در سال‌های اخیر که اطلاعات ما تکمیل تر شد و متوجه نوع عملکرد انحرافی سد شدیم، ملاحظات فنی را به طرف مقابل منعکس نموده و چندین یادداشت اعتراض رسمی از طریق وزارت امور خارجه در این خصوص به طرف افغانستانی داده شد و در تمامی جلسات کمیساران این موضوع مطرح شده است. حتی با استفاده از ظرفیت‌های سیاسی دو کشور، جلسات ویژه‌ای هم علاوه بر جلسات متداول کمیساران برای این منظور با طرف مقابل برگزار شده و در این جلسات پیشنهادات لازم برای بازنگری سیمای طرح کمال‌خان و مهندسی ارزش آن مطرح شده است. این پیشنهادات اصلاحی از طریق مجاری دیپلماتیک نیز به طرف مقابل منعکس و پیگیری شده است.

همچنین درخواست مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی سد هم به طرف افغانستانی داده شده است. طرف مقابل در پاسخ به اعتراضات همواره ادعایش این بوده که ما کاری برخلاف معاهده انجام نمی‌دهیم و فقط می‌خواهیم آب را تنظیم کنیم ولی متأسفانه برخلاف این اظهارات طرف افغان، سال گذشته پس از بهره‌برداری سد کمال‌خان، سیلاب ورودی به سد از طریق سرریز جانبی آن منحرف شد و ما شاهد انحراف آب به میزان حدود یک میلیارد مترمکعب به شوره‌زار گودزره بودیم.

موضوع آب هیرمند بین ایران و افغانستان تنها موضوع مشترک بین دو کشور نیست، موضوعات متعدد دیگری از جمله تعاملات تجاری و اقتصادی بین دو کشور، بندر چابهار و ترانزیت، سوخت و انرژی، مسائل پزشکی، بهداشتی، آموزشی، مهاجرین و سایر موارد وجود دارد و انتظار این است که به موازات پیگیری حقوقی و فنی مسأله آب هیرمند، در تعاملات دوجانبه فی‌مابین همه این موارد مدنظر قرار گیرد. افغانستان باید توجه کند که در پایین دست کمال‌خان در منطقه زرنج و ولایت نیمروز، مردم افغانستان نیز از این سیاست آسیب می‌بینند.